

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تلاطم اشک

میترسم، اگر لب به تکلم نکنی باز
نیم نگو و خنده ز کنج لب شیرین
بسیار بلند است هـوایت، ز تکبر
در حیرتم از فرط غروری که تو داری
سر در قدمت از سر اخلاص نهادم
شهر دلم از لشکر داغت شده ویران
از اشک تو ای دیده بهم خورده جهانی
بر لب زده ام مهر سکوت ای دل خونین
ای بلبل شوریده، دلم شاد نگرده
دامن ز تو چینند و در دل نگشایند

چون عنجه بشگفته تبسم نکنی باز
با ما بکنی خوب، به مردم نکنی باز
سر، خم به کسی تا دل انجم نکنی باز
چون گوش به فریاد تظلم نکنی باز
خود را ز تکبر، بت من گم نکنی باز
با مژه صف بسته، تهاجم نکنی باز
چون بحر خروشنده تلاطم نکنی باز
لب و انکم، تا که سر خم نکنی باز
گر محفل عیشی به ترنم نکنی باز
تا خانه دل بر رخ مردم نکنی باز

گم گشته دلت، گرچه «اسیر» آمده در کف

هشدار که در خیل بتان گم نکنی باز

(م. نسیم "اسیر" - فرانکفورت، سپتمبر 2004)